



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت ارشاد حج و اقامت

Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Religious Affairs and HADJ
Social Since Presidency



ریاست مجمع علمی
آمریت افتاء

متن استفتاء عبدالنصیر ولد عبدالسمیع!

به مقام محترم ریاست مجمع علمی!

محترماً! من عبدالنصیر ولد عبدالسمیع اقرار میدارم که خانم فرزانه بنت فیض الله یک روز از خانه بدون اجازه بیرون رفته بوده بعد از تلاش زیاد و تماس های مکرر برای برادرش و پدرش که در تخار زندگی میکنند برای ایشان اطلاع دادم در حین صحبت هایم در غضب بودم برای برادرش گفتم که خواهر شما بدون اجازه از خانه بیرون رفته و لادرک است اگر پیدایش کنم برایش خط ایشان را خواهم داد شما بیاید به کابل در همان روز ساعت چهار عصر خانم دریکی از خانه های دوستم به نام کریم الله پیدا شد.

مایان هر دو زن و شوهر شب باهم بودیم برای برادر فرزانه و پدر ایشان زنگ زدیم که شما به کابل نیاید مشکل فی مابین مایان حل گردیده بدین صورت آنها روز آینده آمدند و بامن مشاجره نموده و درگیر شدند آنها خیلی فشار آوردن بالای فرزانه و بالای من که باید برای دختر ما طلاق بدهید بعداً ما خیلی باهم دعوی نمودیم و برادر فرزانه و پدر فرزانه و من خیلی در غضب بودیم و خانم در غضب بوده که مهر خویش را به درخواست برادر و پدر خود براریم بخشید بالاخره من در یک مجلس چنین گفتم: توطلاق هستی، طلاق هستی، طلاق هستی پس از تاکید پدر و برادرش برایش خط نوشته کردم ما هر دو زوج پیشمان هستیم از جانب شما مفتی صاحب عالیقدر خواهان حکم شرعی میباشیم و مایان میخواستیم دوباره به زندگی خویش ادامه دهیم . بااحترام: عبدالنصیر.

حکم مقام محترم ریاست: آمریت افتاء! در زمینه فتوی شرعی تحریر گردد.

الجواب باسم ملهم الصواب

حامدا لله ومصليا على رسول الله

مستفتی محترم! آنچه در متن استفتاء شما ذکر شد اولاً در مورد آن چنین باید گفت: که دین مقدس اسلام به عنوان یک دین فراگیر و همه شمول همانطوریکه دیگر ابعاد زندگی انسان ها را احتوا نموده است، بخش زندگی خانواده گی و شخصی انسان ها نیز در تعلیمات و الای دین مقدس اسلام مورد توجه خاص قرار گرفته و برای حفظ و نگهداری آن از هر نوع شکست و گسست دستورات و توصیه های لازم و صریح داده است تا کانون گرم خانواده که نقش مهم در تعلیم و تربیه اطفال و ذهنیت سازی برای آن ها را دارد صمیمی باقی بماند و دچار شکست و فروریزی نگردد که تاثیرات و عواقب بد آن بیشتر از همه اطفال معصوم خانواده و زندگی آن ها را متاثر میکند.

و حالاً در خصوص حکم مسئله استفتاء شده فوق باید گفت که اگر واقعیت قضیه همانطور باشد که در متن استفتاء شما ذکر شد یعنی بعد از تقاضا مکرر در خواست پدر و برادر خانم تان شما در حالت غضب خانم تان را سه طلاق در یک مجلس به الفاظ ذیل داده اید «طلاق هستی، طلاق هستی، طلاق هستی» ظاهراً با گفتن کلمات طلاق به طور تکرار خانم تان با سه طلاق طور مغلظه از شما جدا شده است و دیگر بدون حلاله شرعی «المشار الیه فی القرآن» شما حق رجعت به خانم خود را ندارد، زیرا سه طلاق به یک لفظ و در یک مجلس نزد جمهور فقهاء سه طلاق شمرده میشود و تا وقتی که این خانم حلاله شرعی نکند یعنی این خانم بعد از سپری شدن عدتش با مرد دیگر به رضا و رغبت خود نکاح نکند و بعد از همبستر شدن از وی طلاق خود را نگیرد و عدت خود را سپری نکند برای شما حلال نمی گردد.

ولی هرگاه چنین حلاله شرعی صورت گرفت، و این خانم رضایت داشت باز میتواند با شوهر قبلی خود {شما} مجدداً با مهر جدید نکاح نماید در غیر آن بعد از وقوع سه طلاق شوهر دیگر حق رجوع کردن را ندارد.

و غضب و غصبه مانع وقوع طلاق نمی گردد زیرا طلاق معمولاً در حالت غضب داده میشود مگر اینکه به اثر فرط و غلبه غضب و غصه، اختلال و فساد در عقل شخص طلاق دهنده به وجود آمده باشد طوری که کنترل حواس خود را از دست داده باشد و در گفتار و کردار وی خلل دیده شود، ولی دانستن این حالت به صدق بیانی و ایمان شخص طلاق دهنده و حاضرین در مجلس بستگی دارد و مسئولیت اخروی هم متوجه آنها میگردد نباید بخاطر زندگی چند روزه دنیا آخرت خود را خراب کنند، پس قسمیکه از فحوا استفتاء دانسته میشود این طلاق نامه در حالت صحت عقل و در تفاهم باهم نوشته شده است لذا طلاق داده شده نافذ پنداشته میشود.

چنانچه در خصوص حکم مسئله فوق در کتاب های مشهور فقه حنفی چنین آمده است: { و طلاق البدعة: أن يطلقها ثلاثاً بكلمة واحدة، أو ثلاثاً في طهر واحد فإذا فعل ذلك وقع الطلاق، وبانت منه، وكان عاصياً. } الهدایه ج / ۲، ص / ۳۳۴. طبع: امیر حمزه کتب خانه.

و در الفتاوی الهندیه نیز در این خصوص چنین آمده است: { رَجُلٌ قَالَ لِامْرَأَتِهِ أَنْتِ طَالِقٌ أَنْتِ طَالِقٌ أَنْتِ طَالِقٌ فَقَالَ عَنَيْتِ بِالْأُولَى الطَّلَاقَ وَبِالثَّانِيَةِ وَالثَّلَاثَةِ إِفْهَامَهَا صَدَقَ دِيَانَةٌ وَفِي الْقَضَاءِ طُلِّقَتْ ثَلَاثًا } الفتاوی الهندیه ج / ۱ ص / ۳۵۶. مکتبه حقانیه.

و همچنان در الأشباه والنظائر نیز در این خصوص چنین آمده است: { التأسيس خیر من التأكيد فإذا دار اللفظ بينهما تعین الحمل على التأسيس ولذا قال أصحابنا : لو قال لزوجته : أنت طالق طالق طالق : طلقت ثلاثاً فإن قال : أردت به التأكيد صدق ديانة لا قضاء } الأشباه والنظائر لابن نجيم، ج / ۱ ص / ۱۸۳، طبع: ادار الكتب العلمیة، بیروت، لبنان.

و در ردالمحتار نیز در این خصوص چنین آمده است: (كرر لفظ الطلاق) بأن قال للمدخولة أنت طالق أنت طالق أو قد طلقتك قد طلقتك أو أنت طالق قد طلقتك أو أنت طالق وأنت طالق- (وإن نوى التأكيد دين) أي و وقع الكل قضاء وكذا إذا طلق أشباه أي بأن لم ينو استئنافاً ولا تأكيداً لأن الأصل عدم التأكيد { ردالمحتار ج / ۲ ص / ۶۳۲ طبع: مطبعة عثمانیه.

و همچنان در الاختیار از کتاب های مشهور فقه حنفی نیز در این خصوص چنین آمده است: { والعبارة بالثلاث لا تحل له حتى تنكح زوجاً غيره نكاحاً صحيحاً، ويدخل بها ثم تبين منه } الاحتيار لتعيل المختار، ج / ۳، ص / ۱۵۰. طبع: دار المعرفة للطباعة و النشر.

وهمچنان در الفتاوى الهنديه نيز در اين خصوص چنين آمده است: { وَإِنْ كَانَ الطَّلَاقُ ثَلَاثًا فِي الْحَرَّةِ وَثِنْتَيْنِ فِي الْأَمَةِ لَمْ تَحِلَّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ نِكَاحًا صَحِيحًا وَيَدْخُلَ بِهَا ثُمَّ يُطَلِّقَهَا أَوْ يَمُوتَ عَنْهَا } الفتاوى الهنديه، ج/١ ص/٤٧٣، طبع: مكتبة حقانيه.

وهمچنان در ردالمحتار نيز در اين خصوص چنين آمده است: { لكن أشار في الغاية إلى مخالفته في الثالث حيث قال ويقع طلاق من غضب خلافا لابن القيم اه وهذا الموافق عندنا -

والذي يظهر لي أن كلا من المدهوش والغضبان لا يلزم فيه أن يكون بحيث لا يعلم ما يقول بل يكتفى فيه بغلبة الهذيان واختلاط الجد بالهزل كما هو المفتى به في السكران على ما مر-

فالذي ينبغي التعويل عليه في المدهوش ونحوه إناطة الحكم بغلبة الخلل في أقواله وأفعاله الخارجة عن عادته وكذا يقال فيمن اختل عقله لكبر أو لمرض أو لمصيبة فاجأته فما دام في حال غلبة الخلل في الأقوال والأفعال لا تعتبر أقواله وإن كان يعلمها ويريدها لأن هذه المعرفة والإرادة غير معتبرة لعدم حصولها عن إدراك صحيح كما لا تعتبر من الصبي العاقل. {

ردالمحتار، ج ٢ ص/٥٨٧. طبع: مطبعة عثمانيه.

والله اعلم وعلمه اتم

راقم الحروف "محمد عارف" مصلح